

جنبه‌های غنایی
در شعرِ معاصرِ عرب در خوزستان

www.ketab.ir

عادل کنعانی زاده

سرشناسه: کنعانی زاده، عادل
عنوان و پدیدآور: جنبه‌های غنایی در شعر معاصر عرب در خوزستان/عادل کنعانی زاده
مختصات نشر: تهران: شادگان، ۱۳۹۱.
مختصات ناشرین: ۱۷۳ ص.
شابک: 978-964-5917-32-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه
موضوع: شعر عربی -- ایران -- خوزستان -- تاریخ و نقد
موضوع: شعر غنایی
رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۱ ج ۹ ک/۱۶۲ PJA
رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۹۰۳۶۰



نشر شادگان

تهران، خیابان کارگر شمالی، خیابان دوم، انتهای خیابان صالحی، پلاک ۱، طبقه ۳ غربی،
صندوق پستی ۴۴۱-۱۳۱۴۵ تلفن ۸۸۰۲۸۷۸۸

جنبه‌های غنایی در شعر معاصر عرب در خوزستان

عادل کنعانی زاده

چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱

۱۰۰۰ نسخه، چاپ حیدری

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۱۷-۳۲-۴ ISBN 978-964-5917-32-4

۶۵۰۰ تومان

فهرست

چکیده.....	۵
پیش‌گفتار.....	۷
مقدمه.....	۹
فصل اول: کلیات.....	۱۲
فصل دوم: اثرپذیری ادبیات معاصر عرب خوزستان.....	۱۵
فصل سوم: مضامین ادبیات غنایی.....	۳۲
فصل چهارم: قالب‌های شعری.....	۵۷
فصل پنجم: آرایه‌های ادبی.....	۸۲
فصل ششم: برخی از شاعران و نمونه اشعار آن‌ها.....	۱۳۱
پایان سخن.....	۱۵۳
خلاصه و نتیجه‌ی تحقیق.....	۱۵۳
کتاب‌نامه.....	۱۵۵

چکیده

درست است که ادب حماسی یکی از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات معاصر عرب خوزستان است اما واقعیت امر، مهم‌ترین بخش این ادبیات را ادبیات غنایی می‌داند. ادبیات غنایی معاصر عرب خوزستان آینه‌ای است که همه‌ی جریان ادب غنایی کلاسیک عرب، کلاسیک فارسی، معاصر عرب و معاصر فارسی را برای ادب دوستان و خوانندگان، منعکس می‌کند. در این ادبیات، گوناگونی موضوعات واقعاً چشم‌گیر است. این ادبیات به سه لهجه نوشته و قوالب شعری متنوعی را متضمن می‌شوند. آرایه‌های ادبی و صور خیال متعدّد و زیبایی این ادبیات بی‌هیچ‌چون و چرایی تشنگر هنر و توانایی سراینندگان آن‌هاست، هنر و قدرتی که معرفتی آن‌ها به فرهیختگان، ادب دوستان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، لازم است.

روش به کار رفته برای انجام دادن این تحقیق، روش کتاب‌خانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات، فیش و فیش‌برداری بوده است.

مطالعه و بررسی این پایان‌نامه خواننده را با چگونگی و گوناگونی مضامین ادبیات یاد شده آشنا و او را از آرایه‌های ادبی آن‌ها باخبر می‌کند. این بررسی، هم چنین موجب پی‌بردن این خواننده به اثرپذیری این ادبیات از دیگر ادبیات می‌شود کما این که او را به توانایی ادبیات معاصر عرب خوزستان و کشف نکات مشترک بین این ادبیات و دیگر ادبیات به ویژه ادبیات فارسی رهنمون می‌شود.

کلیدواژه: جنبه‌های غنایی، شعر معاصر عرب، خوزستان

پیش گفتار

پیش از پرداختن به متن اصلی پایان نامه، لازم آمد مقدمه‌ای برای روشن شدن موضوع و تعریف موارد مهم عنوان پایان نامه، آورده شود:

۱- ادبیات غنایی و گستره‌ی آن‌ها

سیروس شمیسا در کتاب «انواع ادبی» می‌نویسد:

ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند. ... لیریک را در عصر ما (شاید به تبع عرب‌ها) که به شعر عاشقانه و عاطفی «الشعر الغنائی» می‌گویند، به «ادبیات غنایی» ترجمه کرده‌اند و به دو معنی اشعار عاشقانه و بزمی به کار برده‌اند. ... مرثیه هم جزو ادب غنایی است. ... شعر لیریک ممکن است عاشقانه باشد، در این صورت به آن love lyric می‌گویند که همان شعر عاشقانه یا تغزلی یا غزل است. ... شعر غنایی در دو معنی به کار می‌رود: الف- بیان احساس و عواطف شخصی ب- اشعار عاشقانه. ... مهم‌ترین فرق بین حماسه و غنا در نگرش بیرونی و درونی است. ادبیات غنایی نگاه درونی شاعر به جهان است. ... چنان‌که گفته شد، یک معنی غنا اشعاری است که بیان احساس و عواطف می‌کند. در این صورت شاعر با نگاهی عاطفی، به مسائل درونی خود رنگ فلسفی و جامعه‌شناختی می‌دهد و با طرح مسائل عمیق روانی و فلسفی، مسائل انسان را در ارتباط با حیات و معات، داشتن و نداشتن، خوش‌بختی و بدبختی و امثال این‌ها به شکلی مؤثر و اندوهناک، توصیف می‌کند.^۱

۲- ادبیات معاصر: ادبیاتی هستند که از صد سال پیش تا به امروز، ایجاد شده‌اند. محدوده‌ی یک قرن یا یک سده تقریبی است.

۳- محدودیت ادبیات به اشعار و آثار منظوم: به دلیل جوان بودن ادبیات منشور، مخصوصاً بخش غنایی آن‌ها، در این تحقیق، اشعار و آثار منظوم مد نظر هستند.

۴- در این تحقیق، واژه‌ی قصیده، معمولاً به معنی و مفهوم اصطلاح عربی آن، به کار می‌رود نه اصطلاح فارسی آن. در این جا نه مضمون، نقشی در نام‌گذاری دارد و نه عدد ابیات شعر. اصطلاح قصیده‌ی عربی، هم قالب قصیده و هم قالب غزل به مفهوم فارسی را در بر می‌گیرد.

۵- در این کتاب، واژه‌ی غیر قصیده در برابر یا مخالف واژه‌ی قصیده است. غیر قصیده در برگرفته‌ی نظم‌هایی از قبیل رباعی‌ها، دوبیتی‌ها و... می‌شود، حتی اگر این نظم‌ها خیلی بلند باشند. برخی از این قالب‌ها، به نامی، نامیده شده‌اند و برخی دیگر، بی‌نامند.

مقدمه

۱ - عرب‌ها و ادبیات فتایی:

صلاح هواری می‌نویسد:

شعر عاشقانه، بخش‌هایی بزرگی از شعر جاهلی را در بر گرفت، تا جایی که می‌توانیم بگوییم: "بیشتر شعر جاهلی به شعر عاشقانه پیوند خورده بود، یا به آن محدود می‌شد." شاعران جاهلی به مدیحه‌سرایی و فخر فروشی، رو نمی‌آوردند مگر این که در سرزمین معشوقه، درنگی کرده تا آن سرزمین، پرستی در مورد ساکنین ترک دیار کننده‌اش، کرده باشند، یا این که همراه با آن دیار، به یاد بیاورند خاطراتی که قلب را شاد و یا غمناک، کند.^۲

او می‌افزاید:

نوآوری این شاعران در آن چه از شعر، به جا گذاشتند، شاید از اثرگذاری آتش عشقی بود که در دل‌هاشان، افروخته می‌شد و دنده‌ها و کبده‌های آن‌ها را نابود می‌کرد. شاید به دور از حقیقت نباشد اگر گمان کنیم آن چه را که شاعران برای ما به ارمغان آوردند از تابلوهای عاشقانه‌ی سرزنده‌ی با تپش و آتش دل‌ها، اصرار دارد که شاعر جاهلی فقط زبان و شمشیر بر کشیده‌ی قبیله علیه دشمنان نبود بلکه او گیتار متممکننده‌ی صداها، نفس و ناله‌های درون و ضربان قلب خویش بود.^۳

۲ - ادبیات مردم عرب خوزستان:

احمد کسروی در کتاب (شهریاران گمنام) حضور مردم عرب در خوزستان را در دوره‌ی اشکانیان محتمل دانسته است. او در این باره می‌نویسد: "تا آن جا که یقین است و دلیل در دست هست، هجرت تازیکان به ایران را باید قرن‌ها پیش از اسلام و آغاز

پادشاهی ساسانیان گرفت." او سپس شرحی از تاریخ طبری ذکر می‌کند بدین گونه که طایفه‌ای از قبیله‌ی معروف "بنی تمیم" که نیای آن‌ها مُرّة بن مالک بن حنظله بوده و به "بنو العم" معروف بودند، با گروه پیروان خود، اردشیر بابکان را در جنگی که با اردوان اشکانی داشته، یاری کرده‌اند. وی در مقاله‌ی دیگری که به طور خاص درباره‌ی توطّن مردم عرب است، زمان حضور آن‌ها در این سرزمین را سده‌های اوّلیه‌ی میلادی، و در عهد اشکانیان دانسته است.^۴

نزد مردم عرب خوزستان، شعر و شاعری از اهمّیت و جایگاه خاصی برخوردار هستند. ... شاعرانی همچون ابو نواس اهوازی که جزو شاعران مشهور و نام‌آور زبان عربی است، شعرای هویزه و دوق که بنیانگذار "شعر بند" بوده‌اند، شهاب الدّین موسوی معروف به ابن معنوق، دعل خزاعی، حسن بن عبدالله عسکری، ابن سگیت و ابو هلال عسکری (دو نفر اخیر به عنوان ادیب مشهورند)، ابو العیناء (القاسم الهاشمی) ادیب و شاعر و... مبین میراث فرهنگی غنی این خطّه از میهن ما هستند.^۵

سخن‌سرایی در میان عرب‌های خوزستان هنر شکوفایی است که حتّی در بدترین شرایط اجتماعی، سینه به سینه نقل شده است. این به معنای نبود دیگر هنرها نیست بلکه شعر همیشه بر آن‌ها سروری داشته است.

... در خوزستان، پس از گسستگی امپراتوری اسلامی و رواج ملوک الطّوائف، دربار فرمانروایان آل مشعشع، محلّ تجمّع فقیهان شیعّه، دانشمندان و شاعران بود. سرآمد این شاعران، شهاب الدّین موسوی معروف به ابن معنوق حویزی است که اخیراً انتشارات "دار صادر" بیروت، دیوان او را برای چندمین بار تجدید چاپ کرده است. مثلاً سلمان سلیمانی، اسحاق قیم و طاهر بن اسحاق قیم در دوره‌ی آل بوچاسب (جابر و خزعل) مشهور بوده‌اند.

شاعران عرب در خوزستان هم به زبان فصیح عربی و هم به لهجه‌ی محلی شعر می‌سرایند... شعر فصیح همانند شعر معاصر جهان عرب و شعر معاصر ایران گواه دو جریان شعر کلاسیک و شعر نو است... از سویی شعر آزاد که اکنون سبک برخی از شاعران جوان عرب است هم از شعر آزاد جهان عرب و هم از شعر نو پردازان ایرانی، تأثیر می‌پذیرد.^۶

۳- پیشینه ادبیات غنایی عرب‌های خوزستان:

به دلیل داشتن خصوصیات مشترک، عرب‌های خوزستان دوره‌ی جاهلی و دوره‌های پس از آن، بی‌گمان، مانند دیگر خویشاوندان خود در سرزمین‌های دیگر، به ادبیات و ادبیات غنایی پرداخته‌اند. در بخش دوره‌ی عباسی کتاب (زیباترین اشعار عاشقانه) می‌خوانیم:

جریان اشعار عاشقانه‌ی این دوره، همچنان، پر رونق ماند تا جایی که تصور می‌کنیم هیچ شاعری نبوده است که در این مضمون، اشعاری را به نظم نکشیده باشد. دو گرایش بی‌پرده‌گویی و پوشیده‌گویی این جریان که در دوره‌ی اموی حاکم بود، بخش اعظم تولید ادبی شاعران این دوره را تشکیل می‌دادند.^۷

یکی از شاعران غنایی مشهور دوره‌ی عباسیان، ابونواس اهوازی است که در بخش اعلام لغت‌نامه‌ی (المنجد) این گونه معرفی می‌شود:

ابونواس (الحسن بن هانی، ۸۱۴-۷۵۷ میلادی): در اهواز متولد شد. از شاعران بزرگ عصر عباسی است. به شاعر شراب، ملقب شد. در بصره تحصیل کرد. شاگرد خلف احمر و ابو عبیده و ابوزید انصاری بود و حدیث را از دانشمندان زیادی یاد گرفت. به بادیه رفت و با اعراب معاشرت کرد تا این که زبان او از بابت فصاحت، قوام یافت. از بصره به بغداد نقل مکان کرد. هارون الرشید او را به خود نزدیک و امین، او را شاعر مخصوص خویش کرد. ابونواس با برمکیان، رابطه برقرار کرد. به شراب خواری روی آورد و در عیاشی، زیاده روی کرد. در آخرین روزهای زندگیش، توبه کرد. دیوان شمری دارد که بهترین شعرهایش، خمریات آن است.^۸

فصل اول

کلیات

ادبیات غنایی، بر مجموعه‌ای از مجموعه‌ی انواع ادبی هستند. به همین سبب پیش از بررسی این ادبیات، به شرح مختصر انواع ادبی پرداخته می‌شود.

انواع ادبی در ردیف سبک‌شناسی و نقد ادبی یکی از اقسام جدید علوم ادبی هستند. موضوع اصلی آن‌ها طبقه‌بندی کردن آثار ادبی از نظر ماده و صورت در گروه‌های محدود و مشخصی است. در انواع ادبی این پرسش مطرح است که آیا هر اثر ادبی برای خود وجود مجزا و مستقل دارد و یا می‌توان بین گروه‌هایی از آن‌ها ارتباط و تشابهی یافت؟ به عبارت دیگر آیا ادبیات مجموعه‌ای از آثار پراکنده است یا برعکس بر هر دسته از آثار ادبی - چه به لحاظ ماده و چه به لحاظ صورت - نظم و قانونی حکم فرماست؟ این مهم در ادبیات به وسیله‌ی انواع ادبی صورت می‌گیرد.^۱ انواع ادبی، چون دیگر شاخه‌های ادبیات، سابقه‌ای تاریخی دارند. در این جا به این سابقه‌ی تاریخی، نگاهی می‌اندازیم:

انواع ادبی، ترجمه‌ی literary genres هستند. ژانر در فرانسه به معنی «نوع» است و در انگلیسی هم با همین تلفظ فرانسه به کار می‌رود. اصل آن گویا لغت یونانی «گنز» است که به عقیده‌ی برخی با جنس عربی هم ریشه است. سابقه‌ی انواع ادبی مثل غالب علوم ادبی به آثار ارسطو و هوراس رومی می‌رسد. در قرن شعر آنان، حماسه و تراژدی دو نوع عمده‌اند. البته ارسطو از انواع دیگر هم نام می‌برد و بین نمایش drama و حماسه و غنا فرق می‌گذارد. هر چند ارسطو از ادب غنایی lyric بحث